

تجسم عمل و شفاعت

پیشگفتار ۷

مقدمه ۹

۱۰ معنی شفاعت. ۱۱ شفاعت و اقسام آن. ۱۳ شفاعت رهبری. ۱۴ شفاعت مغفرت. ۱۶ شفاعت گران. ۱۹ شفاعت شونندگان. ۲۱ محرومان از شفاعت. ۲۱ شفاعت و شرایط آن. ۲۴ شفاعت و چند پرسش. ۳۲ تحلیلی کوتاه از توسل. ۳۵ گذر و نظر.

دستر پنجم: تجسم عمل و شفاعت ۳۷

۳۹ تطابق عوالم وجود. ۴۱ تطابق عوالم در قرآن. ۴۶ تجسم عمل. ۴۹ چند نکته. ۵۶ تجسم اعمال، اوصاف و عقاید در قرآن. ۶۶ تمثیل اخلاق، اوصاف، و عقاید و اعمال در روایات. ۷۷ شفاعت. ۷۷ شفاعت در قرآن. ۸۰ شفاعت کلی در آیات. ۸۶ قرآن و شفاعت در قیامت. ۸۹ شفاعت در روایات. ۸۹ شفاعت و ولایت تکوینی. ۹۱ شفاعت و هدایت. ۹۳ شفاعت و محبت. ۱۰۳ نکته آخر.

چکیده ۱۰۷

کتابنامه ۱۱۱

مقدمه

یکی از مباحث مهم و جنجال‌برانگیز در کلام اسلامی و مبحث معاد که همواره ذهن متکلمان و اندیشمندان دینی را به خود مشغول داشته است، مسأله «شفاعت» است. این موضوع از آن نظر مهم و درخور توجه است که از سویی با مسأله «توحید» و از سویی دیگر با «عدل» ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ دارد. به گواهی متون تاریخی، سیره و روش مسلمانان، از زمان رسول اکرم (ص) و همچنین زمان‌های بعد، درخواست شفاعت از شافعان راستین بوده و پیوسته از آنان در طول زندگی و در آستانه مرگ خواستار شفاعت بوده‌اند. تا اوایل قرن هشتم هجری، هیچ دانشمند و متفکر مسلمانی چنین درخواستی را مخالف اصول اسلام تلقی نمی‌کرد؛ تا آن که ابن تیمیه با این موضوع مخالفت کرده و پس از وی محمد بن عبدالوهاب نجدی، بنیانگذار مسلک وهابیت، به پیروی از او، پرچم این مناشقه را برافراشته‌تر ساخت.

در این مقدمه، با توجه به طرح شبهات وهابیون در ذهن جوانان صاحب فکر ما و هم چنین روشن‌تر شدن اصل این موضوع و ابعاد آن از دیدگاه اسلام، سعی می‌کنیم شعاع‌هایی از این مسأله را باز کرده و اساسی‌ترین

مطالب را در این باب با بیانی روان برای علاقه‌مندان به تفکر اسلام ناب تحلیل کنیم.

۱. معنی شفاعت

شفاعت در لغت در معانی گوناگون به کار رفته است، همچون: دعا برای مؤمنان،^۱ صلح میان دو نفر،^۲ زوج،^۳ زیادکردن،^۴ یاری کردن کسی که خواستار چیزی باشد،^۵ منضم شدن کسی به دیگری برای یاری دادن و برآوردن خواسته‌ها،^۶ شفاعت در محاورات عرفی، به این معناست که شخص آبرومندی از بزرگی بخواهد که از کیفر و مجازات مجرمی درگذرد و یا بر پاداش خدمتگذاری بیفزاید.^۷ اما در اصطلاح نیز برای شفاعت معانی گوناگونی گزارش شده است همچون: ظهور هر تأثیر خیری در انسان توسط شخص دیگر،^۸ درخواست دعا،^۹ وساطت در رسانیدن نفع و دفع ضرر نسبت به کسی که لایق و قابل این واسطه‌گری باشد.^{۱۰} و...

۱. قاموس اللغة به نقل از: سیداسماعیل طبرسی نوری: کفایة الموحدين. ج ۴، ص ۳۴۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. تقی‌الدین ابن تیمیه: السیاسة الشرعية، ص ۶۲.

۶. ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی: مفردات الفاظ القرآن. ماده شفیع.

۷. محمدتقی مصباح یزدی: آموزش عقاید، ج ۳، ص ۱۶۷؛ سید محمود طالقانی: پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۱۴۹.

۸. محمدتقی مصباح یزدی: آموزش عقاید، ج ۳، ص ۱۶۹.

۹. جعفر سبحانی: آیین وهابیت، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۱۰. عبدالحسین طیب: کلم الطیب، ص ۸۰۸.

به هر حال، در حقیقت کسی که متوسل به شفیع می‌شود، نیروی خودش را به تنهایی برای رسیدن به هدف کافی نمی‌داند، از این جهت نیروی خود را با نیروی شفیع گره می‌زند و در نتیجه آن را دو چندان کرده و به آنچه می‌خواهد نایل می‌شود که اگر این کار را نمی‌کرد و صرفاً نیروی خود را به کار می‌بست، به مقصود خود نمی‌رسید زیرا به تنهایی ناقص، ضعیف و ناتوان بود. پس شفاعت نزد خداوند متعال برای رساندن شفاعت‌شونده به هدف اوست؛ حال برای رسیدن به این هدف یا باید از ضررهایی جلوگیری کرد و آن‌ها را دفع کرد، یا باید خیرهایی به او رساند تا توانایی ادامه حرکت و وارد گشتن به مراتب عالی و بالاتر را برای رسیدن به مقصود پیدا کند.

۲. شفاعت و اقسام آن

اصولاً آدمی برای جلب منافع و دفع ضررها به وسایل و ابزاری که متناسب برای این دفع و جلب باشد، متوسل می‌گردد. مثلاً، برای رفع گرسنگی به خوردن و برای فرونشاندن عطش به آشامیدن و برای سرما به پوشیدن متوسل می‌شود. در مورد تبعیت از احکام و قوانین اجتماعی نیز مسأله به همین صورت است، یعنی انسان سعی می‌کند علل و اسبابی را که باعث توبیخ و مجازات او می‌شود ترک کند و سراغ عوامل و اسبابی که موجب ارتقایافتن، احترام و گرفتن مزد در جامعه می‌شود برود. اما گاهی انسان دوست دارد به کمال معنوی و مادی دست یازد یا علاقه دارد که از

عذاب، شر و عقاب مادی و معنوی در امان باشد، ولی به دلایلی اسباب آن را در اختیار ندارد. در اینجا برای به دست آوردن کمال و دفع عقاب دست به دامن چیزی یا شخصی می‌شود که آن چیز و یا آن شخص به جای آن اسباب، او را به مقصدش می‌رساند. شفاعت به همین معناست، یعنی شفاعت متمم و کامل‌کننده سببیت است نه مستقل در تأثیر.^۱

با این تحلیل می‌توان گفت در حقیقت، شفاعت از مصادیق سببیت است که واسطه می‌شود میان سبب اول و مسبب، از این رو، می‌توان شفاعت را به دو نوع کلی تقسیم کرد. ۱. شفاعت تکوینی، ۲. شفاعت تشریمی.

۱. شفاعت تکوینی: معنایی عام داشته و شامل تمام موجودات می‌گردد. یعنی، همه مخلوقات واسطه رحمت خدا برای انسان‌ها هستند، زمین، آسمان، کوه، دریا، باد، گل و گیاه همه واسطه فیض و کمک‌کننده بشر برای رسیدن به مقصدش به حساب می‌آیند. در دیدگاهی کلی‌تر، می‌توان گفت، شفاعت تکوینی، وساطت علل و اسباب میان خداوند و مسببات در تدبیر امور، تنظیم وجود و بقای مسببات است.^۲ آیات ۲۵۵ سوره بقره و آیه سوم سوره یونس به این نوع شفاعت اشاره دارند:

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست، کیست آن کس که

جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟

کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعت‌گری جز پس از اذن او نیست.

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی: المیزان، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۶۰.